

حق بر شادی

مجتبی انصاریان*

چکیده

شادی برای بیشتر انسان‌های مضطرب امروز که در غصه نداشته‌ها، کمبودها و فرصت‌های از دست رفته بسر می‌برند و خود را در میان انواع آلودگی‌های زیست محیطی، بیماری‌های عالم‌گیر و چالش‌های مرتبط با وضعیت اقتصادی می‌بینند یک نیاز و ضرورت است. انسان‌ها محق به شاد زیستن هستند. این پژوهش جهت تشریح حق بر شادی (Right to Happiness) به عنوان حقی مشترک میان حقوق بشر و حقوق شهروندی، مفهوم شادی را تبیین و مبانی نظری و حقوقی آن را بیان کرد. سپس نگاه قوانین ایران و اسناد بین‌الملل به شادی را مورد بررسی قرار داد با این پرسش که قوانین ایران، آن را به عنوان یک حق به رسمیت شناخته‌اند؟ به چه میزان اسناد بین‌المللی به حق شادی انسان‌ها توجه نموده‌اند؟ فرضیه پژوهش این بود که قوانین ایران به طور پراکنده به شادی و نه به عنوان یک حق پرداخته‌اند و ضعف در این زمینه بیشتر در رفتار و عملکردها وجود دارد. حق بر شادی در اسناد بین‌المللی به صورت موردی و با پرداختن به حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حق بر شادی، حق بر شادی جمعی حقوق بشر، حق بر شادی فردی، حقوق شهروندی.

* استادیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، M_Ansarian@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

۱. مقدمه

شادی و میل به شاد بودن از کودکی تا زمان مرگ در ذات هر انسانی نهفته است. این گرایش در بین همه انسان‌ها با هر نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت و باوری وجود دارد. در این راستا باید بیان کرد «شادی یک نیاز اساسی انسان است» (شهیدی، ۱۳۸۹: ۲۵) «اپیکور عقیده داشت اصولاً اثبات ارزش لذت هیچ ضرورتی ندارد. زیرا لذت، تمایلی است که احساس می‌شود و از این رو آن قدر بدیهی است که نیازی به اثبات و استدلال ندارد» (دهقان زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

لغت شادی امروزه نه تنها در جامعه شناسی و روان شناسی بلکه در مدیریت، بازاریابی، حقوق و در اقتصاد جایگاه بلندی یافته است.

در گذشته بسیاری از اقتصاددانان نیوکلاسیک برای اندازه‌گیری رفاه فردی بیش‌ترین توجه خود را بر ثروت، دارایی، مصرف و یا کل پول موجود در دست فرد معطوف می‌کردند. ولی امروزه مفهومی به نام شادی در مقایسه با مفاهیم رفاه مادی جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرده است (محمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

شادی به مثابه یک حق و خواست جمعی است. به همین جهت و با توجه به اقبال همیشگی و عمومی به شادی که امروزه بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفته است می‌توان از آن حق^۱ به مثابه یک مطالبه عمومی سخن گفت و در نتیجه از دولت که نقش سیاست‌گذاری کلی، هدایت و رهبری منابع را دارد تحقق زمینه‌های حق بر شادی و شاد زیستن شهروندان را درخواست نمود.

۲. تاثیر شادی و نگرش‌های متفاوت به آن

شادی موجب دوری از رخوت، خمودگی و سکون می‌شود. انسان شاد که از درونی آرام و بیرونی پر جنب و جوش برخوردار است با برنامه‌لامتی به درشت‌گویی و نازیبایی روی نمی‌آورد.

این که شاد بودن را به عنوان یک حق در نظر باید گرفت به دلیل تاثیر شادی بر جامعه اعم از بالا رفتن روحیه سازگاری و کم شدن خشونت، دوری حتی لحظه‌ای از مشکلات و حتی رفاه مردم می‌باشد. انسان به حکم انسان بودنش اشتیاق و کششی بی‌انتهای به کمال و منتفع شدن از ظرفیت‌های موجود در طبیعت و اجتماع دارد. قطعاً لازمه تصور جامعه‌ای

پویا، سالم و مفید در گرو وجود انسان هایی است که تصویر روشن و رضایت بخشی از آینده خود داشته و در نقش های اجتماعی خویش با میل و رغبت کامل و به نحو مطلوب ایفای وظیفه کنند که چنین انتظاری از افرادی که در زندگی روزانه خود دچار روزمرگی شده و احساس غم و اندوه در آنها ریشه دوانیده،^۲ انتظاری بیهوده است. به همین جهت «آسیب شناسان معتقدند که در برابر سیل عزاداری و سوگواری، شادی نیز به همان میزان برپا شود تا تعادل روانی جامعه پایدار بماند» (دادخواه، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

شادکامی و شادبودن بر حوزه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تاثیر مثبت دارد. بر اساس یک بررسی علمی صورت گرفته مشخص گردید که «شادی در کار بر بهره وری (عملکرد شغلی) فرد تاثیر مثبت دارد» (حجازی، ۱۳۹۴: ۷۷) مطالعاتی که بر روی زوج هایی در اصفهان صورت گرفته نشان می دهد که آموزش شادی می تواند شادی زوجین را افزایش دهد (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

شادی حتی بر توسعه نیز تاثیر مثبت دارد. با توجه به کنار رفتن آن نظریه های توسعه که ایجاد راهها، کارخانه های ذوب آهن و سپس سایر دیگر مدل های تولیدی را محور توسعه می دانستند و بجای آن، درک و تجربه جهانی از این مفهوم که تنها مردم با فرهنگ عامل اصلی توسعه یک کشور هستند رابطه شادی و توسعه به واسطه ساخت انسان هایی باروحيه، بانشاط و امیدوار به این دنیا، قابل درک می شود.

پس از بیان مختصری درباره تاثیر شادی، سه نگرش متفاوت به آن ذکر می گردد.

۱. شاد بودن دربردارنده تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی است. بدین منزله که اگر مردم به رفاه رسیده و از مواهب و نعمت های موجود توانایی بهره مند شدن را داشته باشند شاد خواهند بود.

۲. شاد بودن و شادی در پی تسلیم در برابر اوامر الهی و کسب رضایت خداوند محقق خواهد شد.

۳. شاد بودن در پی برآورده شدن همه نیازهای انسان از جمله حقوق سیاسی و آزادی های مدنی خواهد بود.

نگرش نخست بیشتر توسط نظام های سیاسی بسته و تمامت گرا^۳ دنبال می شود. سرمداران آن نظام ها معتقدند که اگر معیشت مردم تحقق یابد شادی نیز خواهند داشت. در این نگاه امنیت سخت افزاری و دسترسی به آب و غذای سالم و مقوی مترادف با شادی

است. البته باید یادآور شد که عدم امنیت غذایی از موانع مهم شادی است که شوربختانه در جهان به دلیل سیاست‌های استبدادی، این مساله شامل عده زیادی می‌شود.

نگرش دوم را بسیاری از افراد و از جمله تعداد زیادی از گروه‌ها و نهادهای دینی بیان می‌دارند. در این گفتمان رسیدن به سعادت و تعالی مذهبی همان شادی است. در این سنت فکری پرداختن به هرآن چه غیر از خدا است مانند خواندن آواز و شنیدن آن در یک کنسرت یا در جمع دوستانه بیانگر شادی نیست بلکه به معنی لهو و لعب^۴ و بیهوده عمر را سپری کردن است.

نگرش سوم، شادی را وابسته به یک رضایت قلبی ناشی از تحقق نیازی‌های فردی و جمعی انسان‌ها می‌داند که در آن البته تحقق حقوق و آزادی‌های فردی نقش مهم‌تری دارد. این‌که فرد می‌تواند به نقد گفتمان‌ها و نظریات مختلف مبادرت ورزد، در نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها شرکت کند، از آزادی پوشش^۵ برخوردار باشد و به عنوان یک فرد مطالبه‌گر و اهل فکر و حق رای و نظر از سوی دولت به رسمیت شناخته شود. «شادی به معنی دل‌بستگی به خود و دیگران و حرکت به سوی افق‌های خوش فرجام و سازگاری جریان حیات با نیازهای انسانی است» (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۳).

شادی از نگاه پژوهشگر؛ با امید و با روحیه زیستن، لبخندی به همراه داشتن حاکی از رضایت درونی و برخوردار از یک زندگی دلخواه، و در سطح جامعه باید تصور شود که شاد زیستن تنها هدف زندگی می‌باشد. دولت اگر همین تعریف حداقلی را هدف گذاری نماید حق آزادی‌ها و نیز حقوق اقتصادی شهروندان تحقق خواهد یافت.

شادی به دو نوع شادی کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود. شادی کوتاه مدت می‌تواند ناشی از یک برنامه تفریحی و سرگرمی یا دورهمی با خانواده و دوستان باشد. در این حالت می‌توان گفت شادبودن همان عبوس نبودن، خنده بر لب داشتن و آرامش درونی است.

اما شادی بلند مدت ناشی از رضایت از زندگی می‌باشد. «برخی شادی فراگیر را سعادت، برداشت کردند و نیک بختی نام نهادند و منظورشان آن بود که هرگاه اسباب آسایش در زندگی فراوان باشد، آدمی خوشبخت است» (دادخواه، ۱۳۹۵: ۴۵). مثبت‌گرایی، دلگرمی به پدر و مادر یا فرزندان، موقعیت اجتماعی، کار یا ثروت و مطالعه و می‌تواند شکل دهنده رضایت بلندمدت باشد.

شادی علاوه بر برخورداری از روحیه شاد نیازمند تحقق دیگر نیازهای فرد است که وابسته به خواست و تمنیات هر فرد است. چنانچه شادی نزد یک فرد با دسترسی به انواع غذاها و خوراکی‌ها و امکانات؛ در فرد دیگر با دسترسی به محصولات فرهنگی اعم از مطالعه کتاب‌های مورد علاقه، بازدید از موزه‌ها و دیدن تاتر و فیلم و شرکت در نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها و در شخص دیگری با زهد و عبادت و خواندن مکرر یک کتاب مذهبی حاصل می‌گردد.

به همین جهت می‌توان گفت شادی تنها معطوف به برخورداری از کار، مواهب و امکانات نیست بلکه شادی یک احساس رضایت و دلخوشی از وضعیت موجود می‌باشد. «میلیون‌ها هندی به خصوص در مناطق روستایی دسترسی منظم به برق، آب آشامیدنی لوله کشی و دفع فاضلاب امروزی ندارند». (Selin, 2012: 46) اما نمی‌توان گفت همه این انسان‌ها غمگین می‌باشند و چه بسا با این تصور که زندگی بیش از شرایط موجود نیست از وضعیت خود نیز لذت می‌برند.

شادی با رشد مادی حتی با توسعه رابطه مستقیم ندارد. به همین جهت هر کشوری که از سرانه درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی بالا برخوردار باشد لزوماً شهروندانی شادتر نخواهد داشت. «دولت‌ها نباید تنها بر درآمد در میان شاخص‌های مختلف خوشبختی تکیه کنند. عوامل متعددی جهت قضاوت در خصوص تاثیر سیاست‌ها و پیامدهای دولت در این حوزه وجود دارد» (Posner, 2010: 9). همان‌طور که بعضی از کشورها تنها با برخورداری از روحیه ملی شاد در ردیف شادترین کشورها قرار دارند اما کشورهای دیگر با وجود درآمد بالای سرانه ملی در زمره کشورهای شاد قلمداد نمی‌شوند. «در رتبه بندی بین ۱۵۶ کشور جهان در سال ۲۰۱۳، پاراگوئه شادترین و سودان غمگین‌ترین مردم جهان را دارند. در این نظرسنجی کشورهای آمریکای لاتین به ترتیب در صدر جدول شادترین کشورهای جهان ایستاده‌اند». این آمار با کمی تغییر به همین شکل استمرار دارد.

۳. مبانی نظری شادی

جهت تبیین و درک هر مفهومی باید به مبانی نظری آن مراجعه نمود. با روشن شدن چهارچوب‌های نظری و فکری است که می‌توان با رویکرد انتقادی به تحقق مفهوم مورد نظر پرداخت.

«شادکامی موضوعی جهانی و ذاتی بشر است» (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۶) مبنای شادی و حق بر آن از حوزه حقوق بشر است که در حقیقت با دوری از تفاوت و تبعیض میان انسان‌ها به دلیل مذهب، نژاد، رنگ، جنسیت، قومیت و ملیت؛ رضایت و شادی انسان‌ها را موجب می‌شود.

بر طبق حقوق بشر، انسان‌ها با هر جنسیت، قومیت، رنگ و نژاد که به اختیار خود آنان نبوده و با هر مذهبی و هر سطحی از درآمد و تحصیلات از حقوقی برخوردارند که بر طبق آن نباید زندگی (حق حیات)، آزادی، کرامت انسانی، احترام و حق تعلق آنان نقض و حتی خدشه‌ای بر آن وارد شود و هم چنین حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان نیز تا حد امکان (تعهد به وسیله) تحقق یابد (انصاریان، ۱۳۹۶: ۴۷).

و همچنین «حقوق طبیعی (که) شامل حق بر خوشبختی نیز می‌باشد» (جاوید، ۱۳۹۷: ۴۵) از نظر نویسنده در صورت تحقق شادی، از آن جایی که فرد، خود تصمیم‌گیر است و خیر و صلاحش را انتخاب می‌کند، خوشبختی وی نیز محقق خواهد شد. بنابراین حق بر شادی همان حق بر خوشبختی است.

«شادبودن تمام آن چیزی فرض می‌شود که در نهایت با حضورش زندگی سعادت‌مندان را موجب می‌گردد» (Weijers, 2012: 11). «این مهم است که خاطر نشان سازیم که شادی و رضایت از زندگی از آن جایی که به هم نزدیک و وابسته هستند اغلب به جای هم بکار می‌رود» (Sebastiano Bavetta, 2014: 21).

«در بیان مفهوم شادی باید آن را از راه و روش‌های ایجاد تلقین شادی جدا ساخت» (Vincenzo Giorgino, 2014: 5) چرا که تلقین در بعضی از موارد اگر به امری واقع تبدیل نشود تنها حسرت را در پی خواهد داشت.

حق شادی به عنوان یک حق ذاتی بشر دربردارنده این حقیقت است که هر انسانی خود بهترین تصمیم‌گیر برای تعیین عوامل شاد زیستنش می‌باشد.

از نظرات اندیشمندان ایران باستان به صورت دقیق و قابل ارجاع به منبع مشخص به دلیل از بین رفتن کتاب‌های آنان در قرن دوم ه. ق اطلاعی در دست نیست به همین جهت در ابتدا به نظرات اندیشمندان یونان باستان اشاره می‌گردد. «یونانیان باستان اولین گروهی بودند که مزایای آزادی فردی را به عنوان ضمانت کیفیت زندگی آشکار ساختند.

«توسیدید» (Thucydides) خاطر نشان ساخت که آزادی مهم‌ترین عامل رسیدن به شادی است» (Sebastiano Bavetta, 2014: 4) فیلسوفان بزرگی چون «اپیکور» (Epicurus) «زینو»،

(Zeno) «دایوموس»، (Didymus) «آنتیاگوس» (Antiochus) در خصوص شادی تاملاتی داشته‌اند. نظریه اخلاقی افلاطون بر این فرض قرار دارد که هر زمان و مکان در اندیشه‌ایم که باید چه کار کنیم و یا چگونه زندگی کنیم پاسخ درست آن است که به ما بگوید چه انجام دهیم تا شادکام گردیم.

در آرمان شهر افلاطون، عدالت اجتماعی و شادکامی، اصل اساسی تشکیلات اجتماعی است. در واقع، عدالت نیز در خدمت شادکامی می‌باشد. به همین جهت افلاطون می‌گوید بنای دولت شهر تاکید بر شادکامی کل جامعه است. همچنین در نزد «ارسطو» سیاست چیزی نیست جز علم شادکامی. از نظر او بهترین شکل حکومت آن است که هر کس بتواند در آن به بهترین شکلی که می‌تواند عمل کند و زندگی او قرین شادکامی باشد. ارسطو به صراحت می‌گوید که این قانون‌گذار است که باید شادی کل دولت شهر را تضمین کند (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۰۷).

به نظر «اپیکور» از تعمق در خواهش‌های درونی انسان این نکته بر می‌آید که لذت خیر اعلا است. هر موجودی در جست و جوی لذت است و نیک بختی در لذت استقرار دارد. (Horsley, 2013: 4) در این راستا «اصول اخلاقی فلسفه «چاروا»^۶ تابع اصل انکار همه بدیل-های محتمل راجع به بقای نفس پس از مرگ است. نتیجه منطقی این اصل آن است که شخص باید تا آنجا که ممکن است به خوشی زندگی کند» (Indira, 2005) به نقل از دهقان زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

از اندیشمندان ایرانی ابن سینا معتقد است «لذت و شادی، دو یار دیرین و دو همراه همیشگی‌اند. هرگاه لذتی پدید آید، حالت انبساط درونی یا شادمانی هم تحقق می‌یابد» (فعال، ۱۳۸۹: ۱۶۱) از نظر خواجه نصیرالدین طوسی هر انسانی می‌تواند رویای خود را داشته باشد و صورت منشا اثر این رویا را در جامعه‌ای که به آن تعلق دارد دنبال می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۰: ۸۴) «ابن حزم» بر این باور است که تمامی انسان‌ها در همه افعالی که انجام می‌دهند هدفی جز دور کردن غم و اندوه ندارند (جاهد، ۱۳۹۰: ۴۴).

همچنین باید از خیام ریاضی‌دان و ستاره‌شناس بزرگ ایرانی یاد کنیم که

در شرایطی سخن می‌گوید که باور عمومی به آخرت نتوانسته است از خشونت و نخوت مردمان بکاهد؛ بلکه خود، ابزار تخریب و آزار شده است. آنچه که خیام با تاکید بر لذت‌های آنی در پی آنهاست، نه خود لذت‌ها، که چیزهایی است که این لذت‌ها

جایگزین آن می‌شوند؛ به عبارت دیگر، گریز از پلیدی‌ها، به ویژه ستم و خشونت، نکته اصلی اوست (رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

«شادی در معنی حق از قرن هجدهم مورد نظر قرار گرفت». (Carli N. Conklin, 2015:195) «جان لاک» (John Locke) در کتاب «در جستاری در خصوص فاهمه انسانی» (Essay Concerning Human Understanding) اظهار می‌دارد اولین دارایی انسان بدن اوست که هیچ کس نمی‌تواند آن را تصرف کند (لیدمان، ۱۳۸۴: ۷۰-۸۰) و آن خود ابزاری مهم برای رسیدن به شادی است. جان لاک، «زندگی‌ها، آزادی‌ها و اموال» را تحت مفهوم کلی مالکیت آورده و به همین دلیل است که می‌توان ارتباط مستقیمی بین دنبال کردن شادی و تملک پیدا کرد (Claus & Morilas, 2018:120-121).

«کانت»^۷ نیز شادی را جزئی از فضیلت محوری و اخلاق و آن را یک مفهوم کاملاً «تجربی» (Empirical) می‌داند.

«دالایی لاما» معروف به نظریه پرداز شادی در دوران معاصر معتقد است «مهم‌ترین هدف زندگی ما رسیدن به شادی است. چه انسان معتقد به اصول مذهبی باشد، چه نباشد در جستجوی رسیدن به چیز بهتری در زندگی هست. حرکت و فعالیت ما، به سوی دست یافتن به شادی است» (دالایی لاما، ۱۳۸۲).

در نهایت باید گفت فیلسوفان و اندیشمندانی که معتقد به آزادی انسان هستند بنا بر قول «آیزایا برلین» آزادی منفی (از قید و بند، تسلیم، زنجیر و زندان و آزادی مثبت (در فکر و نظر در مقابل جزم اندیشی، محدودیت و افکار خاص بودن می‌باشند به شادزیستن انسان نظر دارند چرا که شادی در میان دو راه آزادی و محدودیت، همگام با آزادی است.

۴. شادی در تاریخ و ادبیات ایران

می‌توان ادعا کرد یکی از پایه‌های اساسی فرهنگ و رفتار ایرانیان شادی است. «در ایران باستان، شادی به مثابه الگوی فرهنگی غالب نیایش‌های دینی و از این رو مهم‌ترین بخش زندگی بود» (عروج نیا، ۱۳۹۲: ۲۶) «هردوت گزارش می‌دهد، ایرانیان مردمانی بودند که زاد روز خود را بیش از روزهای خاص دیگر جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند» (هردوت، ۱۳۴۳: ۱۰۵). در ایران باستان، ایرانیان برای هر سی روز نام داشتند. هر ماه نیز از یک نام برخوردار بود.

در هر ماه، یک بار، نام روز و ماه یکی می‌شده است. در همان روز که نامش با نام ماه همزمان می‌شد، جشنی برپا می‌داشتند. برای نمونه شانزدهمین روز هر ماه «مهر» نام داشت و در ماه مهر، «مهرگان» فرنام می‌گرفت (گبانچی، ۱۳۹۲: ۶۹).

در روزگاران بسیار کهن نمونه‌های بسیار بنیادین در ارج نهادن به ارزش شادی وجود دارد. از آن جمله می‌توان به سنگ نوشته‌های به یادگارمانده از روزگار مادها و هخامنشیان اشاره نمود. در برخی از این سنگ نوشته‌ها آمده است: «خدای بزرگ است اهورا مزدا، که سرزمین را آفرید و آسمان را، انسان را آفرید و شادی را برای انسان مقرر داشت» (فسایی، ۱۳۸۱: ۵۶). «هم سنگ قرار دادن شادی با مردم، دنیا و آخرت دلیل ارزش عظیم و مقام رفیع شادی در میان ایرانیان است» (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۵). «در حکمت کهن ایرانی جهان نه مکان آزمون است و نه تبعیدگاه و زندانی که باید هرچه زودتر از آن نجات یافت، بلکه این جهان در ذات خود شادی بخش و نیک توصیف می‌شود» (عروج نیا، ۱۳۹۲: ۳۹). «در حکمت قدیم ایرانی، دروغ سبب رنج و راستی سبب شادی است» (آموزگار، ۱۳۴۰: ۴۰) برعکس مکاتبی که دروغ را در شرایطی به نفع خود تجویز می‌کنند. دروغ از آن جهت نابودکننده شادی زندگی است چرا که بیان دروغ موجب دوری از آزادگی و رهایی می‌شود و موجب در بند دروغ قرار گرفتن دروغگو است.

۵. حق بر شادی فردی و حق بر شادی جمعی

منظور از حق بر شادی فردی آن است که فرد حق دارد در حوزه حقوق بشر به عنوان یک انسان و در حوزه حقوق شهروندی به مثابه یک شهروند، شاد باشد و دولت زمینه‌ها و بسترهای لازم برای شادی وی را فراهم کند. حق بر تعلق در این تقسیم بندی قرار می‌گیرد. این که انسان‌ها می‌توانند به هر آن چیزی که به آن دل بسته می‌شوند و با توسل به آن زمینه بهروزی و شادی آنان فراهم می‌شود علاقه بورزند و آن را بروز دهند. مانند فردی که با نگهداری یک حیوان اهلی تنهایی خود را با آن جبران می‌کند یا فرد دیگر با جمع کردن زباله‌ها در طبیعت به آرامش می‌رسد. «در پیوند شادی با آرامش روحی و روانی جامعه جای هیچ تردیدی نیست» (دادخواه، ۱۳۹۵: ۱۲۷). «اگر روان انسانی دچار اندوه و افسردگی شد، جسم او دچار بیماری و درد خواهد شد و در نهایت بنا به یک گفته مشهور حکایت پارسی «غصه، درد می‌آورد و درد، مرگ».

شادی جمعی یا گروهی موجب رفع خستگی ناشی از فشارها و تنش‌های ایجاد شده از کار و فعالیت‌های روزانه شهروندان می‌شود. این شادی‌ها موجب روحیه گرفتن و اخذ انرژی برای ادامه کار و خدمت‌رسانی برای مردم و اجتماع می‌باشد.

انسان برای رشدی همه‌جانبه در تمامی ابعاد روحی و جسمی نیاز به شادی و احساس رضایت بر زندگی دارد و حق دارد که این شادی‌ها را بتواند همراه با دیگر اعضای جامعه و به صورت جمعی اعمال کند که در این صورت علاوه بر ایجاد حس قوی-تری از شادی در افراد و ثبات روانی، از دیگر اثرات مفید آن می‌توان به احساس رضایت از زندگی در افراد و نیز تشکیل یک وجدان جمعی و تقویت حس اعتماد، اتحاد و محبت اشاره کرد (سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۶).

یکی از فایده‌های ابراز شادی‌های دسته جمعی، انتقال احساسات شادی آور به دیگران است.

حق ابراز شادمانی‌های دسته جمعی یکی از مصادیق حق برخورداری از آزادی بیان نیز است: حقی که در اسناد متعدد حقوق بشر^۱ به آن اشاره شده است: از جمله ماده ۱۹ بیانیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد که اشعار می‌دارد: هرکس آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی مزی آزاد باشد. آزادی بیان در معنای عام خود شامل هر نوع رفتار و گفتاری است که حامل یک پیام باشد، پس از این منظر نیز ابراز این شادمانی-های جمعی نیز حامل پیام‌های گوناگون است و از مصادیق حق برخورداری از آزادی بیان (سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۶).

توجه به این نکته موردنظر است که دولت به عنوان سیاستگذار عمومی باید در پی تحقق حق شادی فردی باشد بدین منظور که برنامه و خواست خود را شادزیستن فرد انسانی بداند. چرا که هر فرد حق دارد چگونه زیستن و نوع شادی خود را تعیین کند چرا که اساساً «شادکامی برنگرش و ادراکات شخصی مبتنی است» (Argyle, 2001: 6) و از طرفی با شادزیستن هر فرد، شاهد جامعه‌ای شاد خواهیم بود.

۶. حق بر شادی در اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر با شناسایی حق‌های بشری امکان تعقیب، ترغیب، تشویق و پی‌گیری آن‌ها را از سوی دولت‌ها فراهم می‌آورد.

«فایده شناسایی حق بر شادی موجب تشویق دولت‌ها و گروه‌های تاثیرگذار در بازنگری در سیاست‌های کلان در نحوه مواجهه با این نیاز اساسی جمعیت خود می‌باشد» (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۲۵). تا دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتشان تنها شادکامی شهروندان خود و در صورت امکان برای شهروندان دیگر کشورها را مدنظر قرار دهند. «توماس پین» (Thomas Paine) بیان می‌دارد که بایست شکل و قانون اساسی حکومت در همه اطوار تنها دربرگیرنده یک هدف باشد: شادکامی عمومی (پین، ۱۳۹۵: ۶۱).

در بیانیه استقلال ایالات متحده (Declaration of Independent 1776) حق بر شادی یا حق بر تعقیب (جستجوی) آن به عنوان حقی که دولت موظف به حمایت از آن می‌باشد بیان شده است.^۹ «توماس جفرسون در اعلامیه ۱۷۷۶ استقلال، حق بر شادی را در کنار آزادی دو حق از حقوق قطعی انسان‌ها می‌داند» (Carli N. Conklin, 2015:195).^{۱۰}

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به صورت غیر مستقیم به تکلیف دولت‌ها به شاد کردن مردم اشاره شده است. نخستین سندی که بر شناسایی حق بر تعقیب شادی توسط دولت‌ها تاکید می‌ورزد و آن را اصل پایه‌ای نظام حقوقی قرار می‌دهد اعلامیه حقوق ویرجینیا است. (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۱۷۰)

بیانیه جهانی حقوق بشر (The Universal Declaration of Human Rights) با وجود این که تنها به بیان اصول و ارزش‌های مورد نظر جامعه جهانی پرداخته است اما به دلیل تکرار استناد و ارجاع به آن از سوی دولت‌ها از وضعیت یک بیانیه صرف خارج و تعدادی از حق‌های آن به عرف بین‌المللی (International Custom) تبدیل شده یعنی خاصیت الزام‌آوری (Binding) پیدا کرده است به صورت مشخص و مستقیم در مورد شادی، حقی را بیان ننموده است که به نظر می‌رسد هدف آن بوده که به گونه‌ای بیانیه تدوین شود تا ضمن بیان تنها کلیات، همه رویکردها و رهیافت‌های شرقی و غربی بر آن اجماع داشته باشند.

از جمله موادی که به صورت غیرمستقیم به حق شادی انسان‌ها پرداخته است ماده ۲۸ است. «هرکس می‌تواند برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این بیانیه ذکر گردیده تامین کند و آن‌ها را اجرایی نماید». طبق این ماده دولت‌ها ملزم می‌باشند تا مانع برقراری نظم مورد نظر و دلخواه انسان‌ها منطبق با

حقوق مصرحه در بیانیه نشوند که در این صورت شادکامی و رضایت شهروندان تحقق خواهند یافت.

ماده ۲۴ مقرر می‌دارد: «هر کس حق استراحت و فراغت و به ویژه محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با دریافت حقوق ذی حق می‌باشد». عبارت «هر کس حق استراحت و فراغت دارد...» متضمن این نکته است که حق بر استراحت که از لوازم شادمانی است، علاوه بر مفهوم فردی، مفهومی جمعی نیز دارد.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶^{۱۱} بر خلاف بیانیه جهانی حقوق بشر یک توافق‌نامه الزام آور برای متعهدین است که البته درخصوص میثاق هم باید خاطر نشان ساخت که با توجه به تکرار و استمرار اجرای تعهدات آن، تعدادی از حقوق انسانی تبدیل به عرف بین‌الملل و حتی در مواردی چون منع شکنجه تبدیل به قاعده «در برابر همه» (Erga Omnes) (عام‌الشمول) شده که دولت‌ها ملکف هستند آن را به عنوان یک قاعده آمره (Jus Cogens) دانسته یعنی به هیچ عنوان از آن تخطی نکنند. با تعهد دولت‌ها و اقدام در راستای اجرای تعهدات میثاقین، بسیاری از بسترها و زمینه‌های شادی انسان‌ها فراهم می‌شود.

با عنایت به مواد ۱۲ و ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز روح و مفاد این سند بین‌المللی، امکان ابراز شادی‌های دسته جمعی از سوی مردم در یک جامعه و اعمال آن بدون محدودیت‌ها و ممانعت‌های دولتی می‌تواند یکی از مولفه‌های بهره‌مندی افراد از زندگی در شرایط مناسب باشد، در جامعه‌ای که افراد نتوانند به نحو مناسبی به ابراز شادمانی‌های دسته جمعی بپردازند قطعاً شرایط مناسب زندگی در آن جامعه فراهم نیست (سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۶).

ماده ۱۲ به آزادی رفت و آمد و عدم محدودیت ورود و خروج از کشور می‌پردازد که یکی از پیش زمینه‌های تحقق حق بر شادی است.

ماده ۳۱ عهدنامه (کنوانسیون) حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child) (۱۹۸۹) بر حق شادی کودکان تاکید کرده است که تعهدی بر دولت‌های عضو است. در مقدمه بیان شده که دولت‌ها متوجه هستند که برای رشد کامل و مناسب کودک، باید وی در محیط خانوادگی و در فضایی شاد و حاکی از تفاهم و عشق رشد یابد.^{۱۲}

ماده ۳۰ عهدنامه حقوق افراد توانخواه (معلولان) (Convention on the Rights of Persons with Disabilities) با بیان لزوم بسترسازی توسط دولت‌های عضو جهت مشارکت افراد

مذکور در حیات فرهنگی، تفریح، فراغت و ورزش (Participation in cultural life, recreation, leisure and sport) بر حق شادی آنان تاکید ورزیده است.

در ماده ۵ حقوق فرهنگی «زمینه ساز ظهور و حفظ تنوع فرهنگی» بیانیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو ۲۰۰۱ (UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity 2001) بیان شده است «همه افراد حق دارند فرهنگ مورد علاقه خود را در زندگی پیش گیرند، آنها حق دارند فرهنگ خود و اعمال فرهنگی وابسته به فرهنگ شان را اجرا کنند تا جایی که به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری لطمه‌ای وارد نکنند». شادی و زیست شاد جزیی از فرهنگ است که باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد.

بند «ز» ماده ۱۰ بخش سوم عهدنامه منع تبعیض همه جانبه علیه زنان (Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women 1979) به ایجاد فرصت برابر به بانوان برای شرکت فعال در ورزش و آموزش^{۱۳} اشاره می‌کند. با در نظر داشت این که ورزش و امکان حضور در فعالیتهای مربوط به آن یکی از زمینه‌های ایجاد شادی است.

سازمان ملل ۲۰ مارس را «روز جهانی شادی» اعلام کرده که از آن تعبیر به روز بین-المللی شادی (<https://happinesday.org>) می‌شود و خواستار شرکت همه در این شادی شده است.

در ۱۹ جولای ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای (<http://www.un.org>) با عنوان «شادی: به سوی یک رویکرد کل نگر به توسعه» دولت‌های عضو را به برداشتن گام‌های موثری برای قرارداد شادکامی در جایگاهی درخور طی برنامه-ریزی و تصمیم‌گیری‌هایشان در خصوص راه‌های دستیابی به توسعه فراخواند. بر طبق قطعنامه سازمان ملل متحد شادی یک هدف اساسی بشری دانسته شد (<https://www.npr.org>).

در قضیه اتحادیه‌ی قصابان علیه کشتارگاه کرسنت، دیوان عالی امریکا اعلام می‌کند: حق جستجوی شادکامی در کنار حق حیات و آزادی یکی از حقوق ذاتی مردم است (<https://caselaw.findlaw.com>).

همچنین در فرانسه، شادی در زمره‌ی سیاست‌های ملی و از معیارهای «حکمرانی مطلوب» تلقی می‌گردد. اعلامیه حق بر شادی در اتحادیه اروپا (مصوب ۲۰۱۴) از

جدیدترین اسناد بین‌المللی است که به این حق اشاره کرده است (MARINICÁ, E. 2017: 50).

۷. حق بر شادی و حق بر سلامت

سلامتی که با وجود آن شادی قابل درک و لمس است را در معنی مضیق می‌توان به کارکرد متعارف و صحیح یک عضو به دور از بیماری یا ناهنجاری اطلاق نمود در حالی که در معنی موسع، سلامتی به معنی داشتن وضعیت رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی است که فقدان بیماری جزئی از آن محسوب می‌شود.

برای دستیابی به سلامتی باید متغیرهای آن تحقق یابد. دسترسی به آب آشامیدنی سالم، محیط زندگی سالم در دوران کودکی، برخورداری از سامانه بهداشتی دفع فضولات، تامین دارو و تجهیزات پزشکی، تحقق امنیت غذایی، تحقق حق بر کار (اشتغال)، محیط زیست سالم، مسکن مناسب و بهداشتی، هوای پاک (آل کجیاف، انصاریان، ۱۳۹۲: ۳۹-۳۲) و از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار در برخورداری از سلامت کامل و مستمر، شادزیستن و امکان شادکامی است.

«سازمان بهداشت جهانی به طور فزاینده‌ای بر شادکامی به عنوان مولفه سلامت یاد می‌کند» (J. de Gargino, 2004). هم چنین کمیسیون اقتصادی کشورهای امریکای لاتین و حوزه کاراییب اعلام کردند که سلامتی و شادکامی برای زندگی اجتماعی و مسوولیت‌های هر شخص، یک چالش به هم پیوسته است (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

«ماده ۲۵ بیانیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۵ عهدنامه محو کلیه اشکال تبعیض نژادی^{۱۴} به حق بر سلامتی تاکید ورزیده است.

حق شادی چه به صورت فردی یا جمعی در قالب مفهومی جدا با حق بر سلامت و حتی از گروه نسل دوم که به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد قابل تصور نیست. چرا که در صورت نبود شادی و نهادینه نشدن آن، سلامت انسان‌ها خدشه دار می‌شود.

شادکامی در وجود انسان امری بنیادین است. توجه به حق بر سلامت چنان افزایش یافته که امروزه شاخص‌هایی هم‌چون شادکامی ناخالص ملی و سلامت عمومی به عنوان جایگزینی برای شاخص تولید ناخالص ملی معیارهایی برای سنجش توسعه یک کشور

پیشنهاد شده‌اند. از آنجایی که «هر فرد الگویی برای شادکامی دارد» (قاسمی، ۱۳۹۵: ۵) با آن که برخورداری از سلامت جسمی و روحی از مولفه‌های شادزیستن است اما باید خاطرنشان ساخت که در صورت تعارض میان این دو، برتری را به حق شادی و آزادی افراد داد. زیرا انسان‌هایی ممکن است انتخاب کنند که میان زندگی یک عمر بر اساس بالاترین ضوابط بهداشتی و سلامتی؛ از استاندارد کمتری برخوردار باشند اما شادتر و آزادتر باشند.

۸. دولت و حق بر شادی

حق بر شادی را باید هم در زمره طبقه (نسل) اول و طبقه دوم حقوق بشر دانست. از این جهت مربوط به نسل اول است که دولت نباید مانع شادی کردن شهروندان و در ابزارها و زمینه‌های آن دخالت کند.

قانون نباید برخلاف طبیعت وضع شود. دستکاری در نظام طبیعت موجب نقص و خلل در روند طبیعی و درست زندگی می‌شود. «نقض قانون طبیعت ایجاد اضطراب می‌کند. اضطراب بر سلامت جسمانی و روانی آثار مخربی دارد. گفته شده که بسیاری از بیماری‌ها به دلیل اضطراب است» (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۸۳).

مردم می‌توانند خود به انتخاب راه‌های شادی اقدام کنند تا زمانی که مزاحم رفت و آمد و تعرض جسمانی به دیگران نشوند و البته در این خصوص نباید سختگیری کرد تا بهانه‌ای برای تعطیل کردن شادی شهروندان ایجاد نگردد. «موسیقی، رقص، جشن، شوخی و لطیفه گفتن راهبردهای فرهنگی هستند که انسان برای پی ریختن سامانه زندگی شاد برپا ساخته است» (دادخواه، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

حق بر شادی در زمره نسل دوم حقوق بشر نیز قرار می‌گیرد. از جهت لزوم حمایت دولت از تحقق حق بر شادی و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم برای آن، چنانچه دولت در این رابطه نیز به مانند سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی همچون حق بر کار، حق بر تشکیل خانواده، حق بر مسکن مناسب، حق بر تامین اجتماعی تعهد به وسیله و نه تعهد به نتیجه دارد یعنی تا حد امکان باید زمینه‌های تحقق آن‌ها را فراهم کند اما تعهدی به تحقق حتمی آن ندارد همان طور که در زمینه شادی این امر قابل تصور است. چرا که ممکن است دولتی تمام زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای شاد زیستن و شاد بودن شهروندان انجام دهد اما شهروندان به دلایل دیگر همچون انتخاب خود، شادکامی را در زندگی تعقیب نکنند.

«شادی نه تنها مساله‌ای که به فرد بستگی دارد بلکه به خانواده، گروه‌های کاری، جامعه، دولت و سیاستگذاران وابسته می‌باشد» (Selin, 2012: 13) چه بسا فرد تمام زمینه‌های لازم برای تحقق شادی خود را فراهم نماید اما محیط کار، خانواده و اجتماع و از هم مهم‌تر دولت به عنوان مبنای حقوق و نهادی که قانونگذار و ضامن اجرای آن می‌باشد در جهت خلاف شادی حرکت کند.

دولت‌ها در قبال شاد نبودن مردم مسوولیت دارند. آن‌ها بجای تمرکز بر خرید سلاح و رقابت‌های تسلیحاتی و جذب گروه‌های سیاسی و مسلح در دیگر کشورها به خود و تبلیغ ایدیولوژیک باید بر آموزش، بهداشت شهروندان خود بخصوص دورماندگان از رفاه تمرکز نمایند. براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، در سال ۲۰۱۷، جهان ۱,۷ تریلیون دلار صرف هزینه نظامی (<https://www.sipri.org>) کرده است که به تنهایی بیش از دو درصد از تولید ناخالص داخلی جهان است.

دولت‌های توسعه یافته در راستای تقویت رفاه و شادی جامعه گسترش یافته‌اند. گسترش دولت در جوامع در حال توسعه از طریق افزایش ناکارآمدی اقتصادی، افزایش فعالیت‌های رانت جویی و گسترش فساد اداری نتوانسته است به بهبود شادی در کشورهای در حال توسعه کمک کند بلکه سطح شادی در جامعه را کاهش نیز داده است (زارع و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰).

نبود شادی و رضایت از زندگی است که انسان‌ها را به مهاجرت و در خیلی از مواقع به آوارگی می‌کشاند. شاید نشود گفت که تنهاترین دلیل مهاجرت بیشمار ایرانیان که بسیاری از آنان نخبگان علمی و مالی می‌باشند مدنظر نبودن حق بر شادی در کشور است اما می‌توان با اطمینان گفت مساله مذکور دلیلی قابل توجه است. به همین جهت است که «برای افزایش سطح شادمانی مردم، سرمایه‌گذاری در بخش اجتماعی بسیار با ارزشمندتر از سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی است» (Diener, 2000, 42).

۹. حق بر شادی و قوانین ایران

شادمانی از حق‌های اساسی و بشری است که غیرقابل تفویض و سلب ناشدنی و از طبیعت انسان (توانایی‌های جسمی و روانی) است که بر اساس حقوق بین‌الملل، حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در وهله نخست بر عهده‌ی دولت هاست و آن‌ها ملزم به

رعایت، حمایت و اعمال این حقوق هستند. امروزه پرداختن به حق شادمانی، با توجه به کم کاری دولت‌ها در اجرای این حق، به موضوعی اجتناب ناپذیر تبدیل گردیده است.

قانون باید بانگاه به اصول کلی مورد قبول نظام‌های حقوقی امروزی، بیانگر خواست مردم و در پی تحقق شادکامی باشد. «حقوق باید به جای نظم تمرکز خود را بر شادکامی بگذارد» (Eric A. Posner, 2010, 2) «اگر قانون، «لذت» نصیب فرد کند و او در پرتو حاکمیت چنین قانونی، احساس آزادی، امنیت، رضایت و در یک کلام شادکامی بنماید این قانون در نزد او شایسته احترام خواهد بود» (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۹).

نباید قوانین به «بتواره» تبدیل شود و بر خواست مردم در دوره‌های زمانی مختلف تحمیل و مانع هرگونه تغییر به نفع خواست مردم شود. لزوم عدم تبدیل قوانین به بتواره حتی برای قوانین خوب منطبق با حق شادی شهروندان و آزادی آنان است چرا که امکان نقد و اصلاح قوانین همیشه باید وجود داشته باشد.

در قانون اساسی ج.ا.ایران به شادی بدون ذکری از آن اما در قالب دیگر پرداخته است. در قانون اساسی و قوانین عادی ایران، این حق که سرمنشا رشد خلاقیت‌های انسانی به شمار می‌رود مورد توجه قرار نگرفته و خلا قانون‌گذاری در این خصوص، هم چنان احساس می‌شود.

هرچند اصل ۱۵۴ قانون اساسی^{۱۵} به سعادت انسان اشاره کرده است. مفهومی که اگر امروزه از بسیاری از مردم پرسش شود سعادت چیست و سعادت خود را در چه می‌دانند بدون شک در ابتدا تامین نیازهای اولیه و اساسی را مطرح می‌کنند امری که پیش نیاز تحقق حق بر شادی است و در مرتبه دوم به تامین نیازهای عاطفی و حق تعلق و آزادی خود در انتخاب راه و شیوه زندگی اشاره خواهند کرد.

منشور حقوق شهروندی در ماده ۳ خود به حق بهره‌مندی از زندگی شایسته اشاره کرده است و در بند ۸ همان ماده اشعار می‌دارد: «شهروندان باید از زندگی شاد همراه با امید به آینده‌ای بهتر از بدو تولد و در همه محیط‌های اجتماعی برخوردار باشند».

اما اگر بخواهیم نزدیک‌ترین واژه به شادی را در قوانین ایران بیان داریم باید به قانون اجازه الحاق به عهدنامه حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی در ۱۳۸۶ اشاره کنیم که عبارت «خیر بشر» در آن به کار رفته است و در ترجمه فارسی «سعادت بشر» ترجمه شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه سیاست‌ها و راهبردهای ارتقا سلامت زنان، مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۸ حق سلامت زن را که عبارت از رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و

معنوی او است را عنصر تعیین کننده سعادت خانواده معرفی می‌کند. در این مصوبه به رفاه روانی و اجتماعی زن که از موارد تحقق شادی است توجه شده است.

بند «ب» ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۱-۰۶-۱۳۸۳ به گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۱۳ به تاریخ ۲۰-۱۲-۱۳۸۱ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان سیاست‌هایی را به عنوان بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران تصویب کرد که ذیل اهداف آن کسب شادی و نشاط به چشم می‌خورد.

درخصوص ایران با بررسی قانون، صحبت‌های مسوولان و عملکرد دولتمردان در رده‌های مختلف اجرایی، قضایی و قانونگذاری می‌توان بیان داشت که شناختی نسبت به این حق وجود ندارد و به صورت خاص برای تحقق آن تلاشی صورت نمی‌گیرد. مدعای این ادعا نیز محدودیت‌های مختلف و فراتر از قانون از سوی نهادهای اجرایی و قضایی بر اجرای حق بر شادی مردم و در سوی دیگر استفاده شهروندان از هر فرصت اندک و حتی مخالف با وضعیت شادی‌زا می‌باشد. مردم ایران حتی برای بازی خوب تیم ملی فوتبال که منجر به باخت شده باشد، مبادرت به شادی‌های جمعی می‌پردازند که این رفتار نشانه کم بودن فرصت و فضای ابراز شادی دسته جمعی در کشور است.

در این خصوص خلاء وظیفه دولت و حاکمیت^{۱۶} در تمهید مقدمات برگزاری چنین مکان‌های شادی آور بسیار ملموس بوده و در شهرهای کوچک و روستاها این ضعف‌ها بسیار ملموس‌تر است. درحقیقت «حق بر شادی وظیفه عمومی است و همه بر آن تکلیف دارند» (Carli N. Conklin, 2015:195).

۱۰. موانع شادی

از آن جایی که مردم با فرهنگ مهم‌ترین عامل توسعه می‌باشند شهروندان خسته، کسل و غمگین عامل عقب ماندگی و کمتر توسعه یافتگی هستند. مهم‌ترین موانع شادی نیز خود شهروندان غم‌محورند. ریشه این طرز تفکر انباشت ناراحتی و دلزدگی از دنیا و تبلیغ بر علیه آن است. امری که نسل به نسل انتقال یافته است تا انسان‌هایی غم‌زده تربیت گردند. آن چیزی که میان بسیاری رواج داشت که پشت هر خنده‌ای گریه است.^{۱۷} به عنوان نمونه می‌توان به این جمله «عظاملک جوینی» اشاره کنیم که «علت حمله مغولان شادی بیش از

حد مردم و رفاه و سرخوشی آنها بود که به همین دلیل خدا خواست با حمله مغولان مردم را کیفر دهد» (گفت و گو نگارنده با حبیب الله عباسی، ۹۷/۰۲/۰۲).

بر ندبه، استغفار، دعا و ذکر مصیبت و عزاداری نباید مانع شد و کسانی که به طور دایم و یا طبق یک تقویم زمانی این برنامه‌ها را دنبال می‌کنند نباید سرزنش نمود چرا که هم بر طبق حقوق بشر، انسان‌ها حق اجرای مناسک و مراسم مذهبی خود را دارند^{۱۸} و هم آن که نباید چنین پنداشت که این افراد خود را با گریستن و به زحمت انداختن اذیت می‌کنند بلکه این افراد خود را با این مراسم‌ها با روحیه و شاد می‌پندارند. درحقیقت حق بر شادبودن و شاد زیستن را هر شخصی حق دارد بنابر دلخواه و انتخاب خود محقق گرداند.

اما نکته مهم آن است که این اشخاص نباید برای کل جامعه تصمیم‌گیری نمایند و راه‌های مختلف و طبق عرف شاد شدن را مسدود نمایند و سلیقه و راه و روش خاص خود برای زندگی را حتی فراتر از آیین‌ها و اصول دینی که از آن الهام می‌گیرند بر دیگران تحمیل کنند. نمونه بارز آن ممنوعیت حضور جنسیت زن در ورزشگاه‌ها است که غیر از ایام انتخابات برای هیجان آفرینی، مناسب و بی‌اشکال دانسته شده است.

یکی از مسایل مهم در بحث حق بر شادی، لزوم دریافت غرامت شادی^{۱۹} از اشخاصی است که در هرنقشی موجب بروز خسارت بر حقوق مدنی، آزادی‌های سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها شده‌اند. اشخاصی که با اعمال ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها مانع از برخی ورزش‌ها و سرگرمی شهروندان شدند که البته در ایران قسمتی از آن فعالیت‌ها را با گذشت زمان بدون مانع دانستند. «مبنای اصلی در غرامت شادی، خسراتی است که به دلیل تقصیر یا قصور مدعی علیه بر توانایی فرد در تجربه کامل خوشی و لذت زندگی وارد شده است» (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

در این زمینه می‌توان به لزوم دریافت غرامت از دولت عراق به دلیل آغاز جنگ تجاوزکارانه علیه ایران و تحمیل آن بر شهروندان ایرانی اشاره نماییم که شوربختانه درکل، موضوع اخذ غرامت پی‌گیری نشد درحالی که کمیسیون سازمان ملل متحد^{۲۰} در مورد اخذ غرامت (Compensation) از عراق به دلیل تجاوز به کویت با تلاش‌های آن دولت به این مهم اقدام ورزید.

۱۱. نتیجه‌گیری

در این گیتی که برای غم خوردن ایجاد نشده است. باید به شادی پرداخت و زمینه شادی دیگران را نیز فراهم ساخت. به قول «نظامی» شاعر بلندمرتبه ایرانی:

جهان غم نیرزد به شادی گرای نه کز بهر غم کرده‌اند این سرای
جهان از پی شادی و دلخوشیست نه از بهر بیداد و محنت کشیست

حال که «هگل» چنین می‌گوید: «تاریخ شادکامی بشر صفحه‌های خالی تاریخ است». پس باید همه تلاش کنیم در این عمر شاید کوتاه مانده از زمین، شادکامی آدمی افزایش یابد.

شادی زیر مجموعه حقوق فرهنگی است. حق بر شادی در رسانه‌ها با توجه به نقش و تاثیر فراوان آن و گستره متکثرش باید مورد توجه قرار بگیرد. اگر این حق منجر به شناسایی توسط دولت‌ها شود آن‌ها برای خود تکلیف قایل خواهند شد و در نتیجه با بسترسازی لازم موجبات شادی شهروندان را فراهم می‌کنند.

در مجموع این چنین باید بیان نمود که برای شاد بودن تمام متغیرهای لازم و مفید باید حاصل شود. همچون امنیت، ایمنی محل زندگی و کار، سلامتی جسمی و روحی، برخورداری از امکانات لازم برای یک زندگی مدرن، دسترسی به امنیت غذایی، برخورداری از ارتباطات به شکل دلخواه اما متغیر و مولفه‌ای که بیش از هر چیزی مهم‌تر است روحیه منطبق با بهزیستی و فکری منطبق با سلامت روانی است به طوری که فرد اراده شاد زیستن را داشته باشد. در غیر این صورت شخص ممکن است از امکانات بسیاری برخوردار باشد اما افسرده، ناراحت و غمگین باشد و بر او احساس سرخوردگی و خستگی بجای شادی حاکم باشد.

دولت‌ها در خصوص حق بر شادی هم تعهد به وسیله دارند تا زمینه‌های مادی و استقرار ابزارها و تجهیزات لازم برای شاد زیستن شهروندان را محقق گردانند و هم تعهد به نتیجه دارند تا موانع و مزاحمت‌های موجود بر سر راه شادی را بردارند و با محترم شمردن حقوق و آزادی‌های اساسی، بستر لازم برای شادی شهروندان میسر شود.

فرضیه پژوهش که بیان داشت قوانین ایران به طور پراکنده به شادی و نه به عنوان یک حق پرداخته‌اند در جریان مطالعه و بررسی قوانین و گفت‌وگو با اندیشمندان تایید و این نکته نیز مورد تاکید قرار می‌گیرد که عملکرد مسوولان و حتی شهروندان در راستای

شادکامی و شاد بودن نیست. صحبت از لزوم توجه به شاد بودن فرد از سوی دولت ایران در حالی است که دولت‌های اروپایی دغدغه تحقق «حق خودمختاری فردی» (personal autonomy) را در تمام زمینه‌ها دارند.^{۲۱}

در جریان پژوهش به این مفروضه دست یافتیم که اسناد بین‌المللی با پرداختن به زمینه‌های شادی در عهدنامه‌ها و بیانیه‌هایی و همچنین اشاره به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند ماده ۲۴ و ۲۸ بیانیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و با تشکیل جلسه‌های شورای حقوق بشر و رسیدگی وضعیت حقوق بشر کشورهای مختلف به حق انسان‌ها به شاد زیستن توجه و دولت‌ها را ترغیب و توصیه به تحقق این حق نموده‌اند. چنانچه در ماده ۳۱ عهدنامه حقوق کودک، تعهد دولت‌ها شادزیستن کودکان است. در ماده ۳۰ عهدنامه حقوق افراد توانخواه (معلولان)، ماده ۵ بیانیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو ۲۰۰۱، ماده ۱۰ عهدنامه منع تبعیض همه جانبه علیه زنان به زمینه‌های حق شادی اشاره شده است.

به عنوان راهکار جهت تحقق حق بر شادی می‌توان بیان داشت که مهم‌ترین متغیر، تغییر نگاه و بینش انسان‌ها به زندگی است که آن را به عنوان میدان مسابقه‌ای برای ثروت اندوزی ندانند و به شادزیستن خود و دیگران اهتمام ورزند. همچنین از زاویه‌ای دیگر، جهان را محلی برای عذاب خود و دیگران به امید لذت و شادی در دنیای دیگر ندانند.

دولت‌ها باید در وضع قوانین در تمامی حوزه‌ها تحقق حق بر شادی شهروندان و میهمانان خود اعم از مهاجران، آوارگان، پناهندگان را مدنظر قرار دهند. تحقق حق بر شادی را حتی در وضع قوانین جزایی و در راه تحقق دادرسی دادگرانه (Fair Trial) مدنظر قرار دهند بدین وضع که با لغو مجازات‌های خشن، تحقیرآمیز و غیرمتناسب زمینه برگرداندن مجرمان به جامعه و بازیابی شادکامی جامعه را فراهم نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در هیچ سند داخلی و بین‌المللی از شادی به طور مستقیم به عنوان یک حق سخن به میان نرفته است اما زمینه‌های آن همچون حق آزادی‌ها، حقوق اقتصادی تصریح شده است و همچنین نظرات اندیشمندان و مکاتب در طول تاریخ به همراه رویه دولتی موافق با شادزیستن همگام با عرفی بین‌المللی شده به همین جهت باید از آن به عنوان یک حق انسانی یاد کرد.

۲.

در دل نتوان درخت اندوه نشاناند همواره کتاب خرمی باید خواند

۳. منظور از نظام‌های بسته نظام‌هایی است که رهبری و حکمرانی بر مردم را ویژه یک عده خاص یا یک جریان فکری خاص می‌داند. در قسمت نخست به عنوان مثال می‌توان نظام‌های شاهنشاهی و در قسمت دوم به لزوم حاکم بودن کارگران یا فیلسوف شاه نزد افلاطون اشاره کرد.

۴. «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر بدانند زندگی حقیقی همان سرای آخرت است. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۶۴.

۵. آزادی پوشش به معنی آزادی در برهنه شدن نیست بلکه به منزله انتخاب آزادانه نوع لباس و نحوه پوشش می‌باشد. بنابراین در این حوزه، طبیعت گراها و آزادی آن‌ها در برهنه بودن در جامعه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۶. مکتبی در فرهنگ هندویی که لذت را تنها معنا و غایت حیات می‌داند.

۷. رجوع شود به کتاب راجر سالیوان، (۱۳۸۰) / *اخلاق در فلسفه کانت*، عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو.

۸. می‌توان تعبیر «شرابی کهنه در بطری‌های تازه» را برای توصیف اسناد حقوق بشری به کار بست. (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۴۱).

۹. در ماده سیزدهم قانون اساسی ژاپن حق بر تعقیب شادکامی به عنوان حقی بشری و بنیادین تضمین شده است. این حق در قانون اساسی کره جنوبی، ویتنام مورد تصریح قرار گرفته است. (نیک نژاد، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

10. Thomas Jefferson lists the unalienable rights of "life, liberty, and the pursuit of happiness."

۱۱. دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ میثاقین را امضا و در اردیبهشت ۱۳۵۴ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده است.

12. States Parties recognize the right of the child to rest and leisure, to engage in play and recreational activities appropriate to the age of the child and to participate freely in cultural life and the arts.

13. The same opportunities for access to programmes of continuing education, including adult and functional literacy programmes

14. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination .

۱۵. جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند.

۱۶. حاکمیت از آن مردم است و نباید در تعریف ساختار نظام سیاسی و یا هر کدام از نهادهای اجرایی، قضایی و مقننه آن را بکار برد.
۱۷. در دوران کودکی و در مدرسه زیاد شنیده می‌شد که بلند و مستمر نخندید چون بعد آن غم و گریه می‌آید.
۱۸. بند دوم ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی: هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد. ماده ۱۸ بیانیه جهانی حقوق بشر: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود. این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.
۱۹. رویه قضایی برخوردار از پرونده‌هایی با موضوع غرامت شادی است که در قضیه *Sherrod v. Berry* برای نخستین بار مطرح گردید رجوع شود به <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/589/433/1869897>
۲۰. به عنوان یک رکن فرعی مجمع عمومی با قابلیت سیاسی که همه شکایت‌های شهروندان و اشخاص کوییتی را ثبت نمود و از محل درآمدهای نفتی عراق جبران خسارت نمود.
۲۱. مراجعه کنید به (مستفیضی، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۸۵).

کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله، برگردان: احمد تفضلی (۱۳۹۱) *مینوی خرد*، برگردان و تحقیق احمد تفضلی، تهران: نشر توس.
- پین، توماس؛ (۱۳۹۵) *حقوق انسان*؛ برگردان: مستقیم، رامین؛ تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- دادخواه، محمدعلی، (۱۳۹۵) *شادی حق فراموش شده*، تهران: نشر کلاس.
- دالایی لاما، (۱۳۸۲) *هنر شادزیست*، ترجمه شهناز انوشیروانی، تهران: نشر رسا.
- جان جی، گایزل، (۱۳۵۲) *شادکامی*، ترجمه محمد حجازی، تهران: نشر ابن سینا.
- جوینی، عظاملک بن محمد، (۱۳۹۲) *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح: عباسی، حبیب الله، مهرکی، ایرج، تهران: نشر روزانه.
- رستگارفسائی، منصور، (۱۳۸۱) *فردوسی و هویت شناسی ایرانی*، تهران: نشر طرح نو.
- شهیدی، شهریار، (۱۳۸۹) *روان‌شناسی شادی*، تهران: نشر قطره.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۰) به اهتمام مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، *انحلاق ناصری*، تهران: نشر خوارزمی.

- گبانچی، ایوب، (۱۳۹۲) جشن‌ها و آیین‌های ایران باستان، تهران: نشر عطایی.
- لیدمان، سون اویک، (۱۳۸۴) سبکی فکر سنگین واقعیت درباره‌ی آزادی، ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر اختران.
- نیک نژاد، سامان، (۱۳۹۶) در جستجوی حق شادکامی، تهران: نشر مخاطب.
- هردوت، (۱۳۴۳) تاریخ هردوت، تلخیص و تنظیم ه.ج. اوانس، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: نشر کتاب.
- آل کجباغ، حسین، انصاریان، مجتبی، (تابستان ۱۳۹۲) تاثیر تحریم‌های یک و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره ۲۹.
- انصاریان، مجتبی، (دی ماه ۱۳۹۶) حقوق شهروندی با نگاه به اسلام، مجموعه چکیده مقالات اولین کنگره حقوق شهروندی با رویکرد فرهنگی.
- باقری خلیلی، علی اکبر، (۱۳۸۶) شادی در فرهنگ و ادب ایرانی، نشریه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره دو.
- دهقان زاده، سجاد، احمدیان، فاطمه (پاییز ۱۳۹۵) بررسی مقایسه‌ای اصل لذت در فلسفه چارواکه و فلسفه اپیکوری، نشریه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال هجدهم، شماره ۶۹.
- رحمانی، فاتح، مرادی، محمدهادی (زمستان ۱۳۹۴) کورسویی در هزارتوی رباعیات خیام گامی برای آماده‌سازی رباعیات خیام برای تحلیل‌های روانشناختی، نشریه متن پژوهی ادبی، دوره ۱۹، شماره ۶۶.
- زارع، ابراهیم، ابراهیمی، مهرزاد، امینی فرد، عباس، زارع، هاشم (تابستان ۱۳۹۸) مطالعه اثرات غیرخطی اندازه دولت بر شادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با رویکرد حد آستانه‌ای، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- حجازی، مسعود، تقی پور فرشی، فریبا، (تابستان ۱۳۹۴) بررسی تاثیر شادی در کار بر بهره‌وری نیروی انسانی، نشریه مدیریت بهره وری، سال نهم، شماره ۳۳.
- جاهد، محسن، تقی پور، امیرحسین (بهار ۱۳۹۰) بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فایده‌گرایان کلاسیک و ابن حزم اندلسی، فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره ۶.
- فعالی، محمدتقی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹) تمدن دینی، فلسفی بر مولفه شادی در معنویت‌های نوظهور، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، سال هشتم، شماره ۲.
- عروج نیا، پروانه، (بهار و تابستان ۱۳۹۲) شادی در حکمت قدیم ایران و تاثیر آن در ایران اسلامی، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره ۱۷.
- محمد زاده، پرویز، اصغرپور، (زمستان ۱۳۹۲) حسین، منبعی، امید، بررسی تاثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۱.
- مستفیضی، سروناز، بالوی، (بهار ۱۳۹۷) مهدی، حق مرگ در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱.

جاوید، محمدجواد، نیک نژاد، (بهار ۱۳۹۷) سامان، حق خوشبختی در جبران حقوق طبیعی جانبازان و ایثارگران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱.
قاسمی، مریم، (بهار ۱۳۹۵) *فرا تحلیل عوامل فردی موثر بر شادکامی*، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، استاد راهنما بهرام صالح صدق پور.

Argyle, m.(2001) *The psychology of happiness*, London, Routledge.

Carr, Brian; Mahalingam, Indira (2005). *Companion Encyclopedia of Asian Philosophy*, London & New York: Routledge.

Eric A.Posner, Cass R.Sunstein, (2010), *Law and Happiness* The University of Chicago Press.

Jp. deGargino, (2004), *Children Health and the Environment: A Global Perspective*, Geneva:World Health Organization.

Weijers, Daniel Michael (2012). *Hedonism & Happiness in Theory & Practice*, Victoria University of Wellington.

Sebastiano Bavetta, Pietro Navarra, Dario Maimone (2014), *Freedom and the Pursuit of Happiness An Economic and Political Perspective*, Cambridge University Press.

Vincenzo Giorgino, (2014), *The Pursuit of Happiness and the Traditions of Wisdom*, Springer Press.

Carli N. Conklin,(2015), *The Origins of the Pursuit of Happiness*, Washington University Jurisprudence Review, Volume 7, Issue 2

Claus, L.K. and Morilas, L.R.(2018). The Right to the Pursuit of Happiness and the Right to Access Medical Treatment: Recent Developments in Brazilian Jurisprudence. *Peace Human Rights Governance*, 2(1).

Marinica, E. (2017). The Right to happiness, or the right to pursuit happiness. *Valahia University Law Study*, 29(1).

Diener,ED. And Lucas, Richard E, *Explaining Differences in Levels of Happiness: Relative Standards, Need Fulfilment, Culture, and Evaluation Theory*, Happiness Studies, 2000.

Helaine Selin, (2012), *Science Across Cultures*, The History Of Non-Western Science, Spring.

Horsley, M. (2013). *Carvaka & Epicurus*, Society of Friends of Epicurus Journal, 4.

<https://happinesday.org/2018-02-03>.

http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/65/309-2018-03-09.

<https://www.npr.org/sections/13.7/2017/03/20/520803361/is-happiness-a-universal-human-right-2018-02-03>.

<http://www.magiran.com/nptoc.asp?mgID=3291&Number=3032>. 2018-03-09.

<https://www.sipri.org/media/press-release/2018/global-military-spending-remains-high-17-trillion-2018-05-06>

<https://caselaw.findlaw.com/us-supreme-court/111/746.html>.2018-05-09

<https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/589/433/1869897-2018-05-09>